

پرونده

این روزها به هرطرف نگاه می‌کنیم یکی د

و تاریک می‌کند.
مسئله از آنجا
دوست‌داشتنی می‌شود
که نوجوان امروز می‌خواهد توصیف‌ها

و برچسب‌هایی که هرکه از راه رسیده به واسطه سن و سواد کم از خصوصیاتش رویش چسبانده را مثل این عکس برگردان‌های آدامس از رویش پاک کند و برعکس معلوم نیست با چه جوهری ساخته شده که پاک‌شدنی نیست و دهان به دهان می‌چرخد و حالا او را به چیزی می‌شناسند که نه تنها نیست، بلکه دوست هم ندارد باشد.

به گفته دکتر ریچارد لرنر، مدیر موسسه تحقیقاتی روان‌شناسی نوجوانان در دانشگاه تافتس، برخی والدین به محض مواجهه با مرحله نوجوانی فرزندشان، خود را در برابر امتحانی سخت می‌یابند و بی‌هیچ تلاشی برای تغییر وضعیت، فرزند محبوب‌شان را مانند هیولایی غیرقابل پیش‌بینی می‌بینند. این باعث می‌شود سال‌ها، شما و فرزند نوجوان‌تان در خانه بدون هیچ رضایت و خوشحالی کنار هم زندگی کنید و غیرمستقیم این پیام را به او بدهید تا زمانی که کاربدی از وی سرزنند و مطابق میل و خواسته شما رفتار کند، فرزند خوبی است. باید توجه داشت که گاهی پیش‌بینی‌های مداوم و منفی درباره آینده آنها باعث ترویج رفتارهای پرخطر می‌شود. حالا ما از این طرف پشت‌بام گذشته‌ایم و از آن طرفش افتاده‌ایم. اگر تا همین پنج سال پیش خانواده‌ها از دنیای ناشناخته نوجوان وحشت داشتند و تا فرزندشان به ۱۳ سالگی نزدیک می‌شد دلشان می‌خواست بخوابند و بیدار شوند و سر سفره عقد ببینندش، الان با کلیدواژه «ما می‌فهمیمت» و «هر چیزی می‌تواند از یک نوجوان سربرزد» و مهم‌تر از همه «من با فرزندم رفیقم» مسئله تربیت را با خاک یکسان کرده‌اند و دستش را برای هر بی‌تربیتی قابل دسترسی باز گذاشته‌اند و این همه مدعی تازه سربرآورده به جای راهنمایی خانواده‌ها به این طرف و آن طرف پشت‌بام یعنی سخت‌گیری و سهل‌گیری و شیوه‌های من‌درآوردی سکوت می‌کردند تا دلسوزان و کهنه‌کاران و جامعه‌شناسان و روانشناسان به داد نسل مابعد زد برسند. کمر همت بسته‌ام به خاطر تنبلی‌های احتمالی فقط از



مسئله از آنجا

دوست‌داشتنی می‌شود

که نوجوان امروز می‌خواهد

توصیف‌ها و برچسب‌هایی

که هرکه از راه رسیده به

واسطه سن و سواد کم

از خصوصیاتش رویش

چسبانده را مثل این

عکس برگردان‌های آدامس

از رویش پاک کند و برعکس

معلوم نیست با چه جوهری

ساخته شده که پاک‌شدنی

نیست و دهان به دهان

می‌چرخد و حالا او را به چیزی

می‌شناسند که نه تنها

نیست، بلکه دوست هم

ندارد باشد

دم دمای تحویل سال نو میلادی بود و توی سگ سرمای یک‌جای انگلیسی‌زبان که یکی از سایت‌هایشان اسمش mccrindle است مقاله‌ای چاپ شد درباره این‌که کسانی که از یکم ژانویه ۲۰۲۵ تا ۱۴ سال آینده قرار است چشم به جهان بگشایند، از اهالی نسل «بتا» هستند. یک چیزی فراتر و پیچیده‌تر از نسل‌های زد و آلفا. حالا این‌که دم عیدی برعکس ما ایرانی‌ها که سه هفته قبل از عید پیشواز می‌رویم و کرکره همه کارها را پایین می‌کشیم، این اجنبی‌ها تازه مقاله گرفتن‌شان به کنار، لامذهب‌ها کار را برای داعیه‌داران نوظهور نسل زد و وطنی سخت کرده‌اند. آخر نمی‌دانند مادر کشور خودمان تازه داریم گند ماجرای تازه راه افتاده پیرپا تال‌های ۱۲ تا ۲۸ سال را که چند صباح دیگر نوجوان نیستند، درمی‌آوریم و حالا چطور باید به قول همین ما نسل زدی‌ها شیف‌ت کنیم یا پیریم روی خصوصیات و پژوهش نسل آلفا و بتا و بعدها گاما! اگر شما هم از تحلیل‌ها و برچسب‌های جدید و هرروزه متخصصان تازه سر برآورده نوجوان خسته شده‌اید، دعوت‌تان می‌کنیم با ما همراه باشید؛ این پرونده قرار است به این مسئله بپردازد.

زهرا قربانی
دبیر نوجوانه



پژوهش بر جامعه و دسته‌بندی و پیش‌بینی تیپیکال آنها توسط روان‌شناسان و جامعه‌شناسان هم به کار می‌آید. حالا که درباره پرسونا شیرفهم شدید باید بگوییم یکی از علل برچسب خیز شدن نسل جدید، کنار تمام علت‌های ریز و درشتی که دارد خصوصا بازار داغ و اسم شیک زد، همین پرسونا و صفاتی است که اولین بار در مقاله شناخت نسلی، ذیل اسم هر نسل خصوصا نسل زد، تعریف شد. البته اگر نخواهم زحمات دانشمندان آمریکایی را زیر سؤال ببرم، تعریفی که این پژوهشگران از نسل زد که اولین نسل متفاوت بودند ارائه دادند، خیلی هم بیراه نبود.

بومی‌های دیجیتال، واقع‌بین، دیالوگر با اهل گفت‌وگو هستند و نامحدود و بی‌مرز و چند ویژگی دیگر... ناروا هم نیست و اتفاقاً خوب دارد یک نسل زدی دست‌اول رابه‌پدر و مادری که کاسه چه‌کنیم چه‌کنیم دست‌گرفته‌اند، تا حدی می‌شناساند. اما حواشی و توصیفاتی که ذیل این ویژگی‌ها می‌گنجد به قول بچه‌ها داستان را دارک

اگر حوصله کنید و یک دور تمام صفحات نوجوانه را دوباره ورق بزنید می‌بینید همه نویسندگان مان یک کلمه را مدام تکرار کرده‌اند و هی یک خط درمیان اسم پرسونا را می‌آورند. قبل از این‌که حرف‌های سنگین را شروع کنم باید یک دور درباره واژه «پرسونا» صحبت کنیم.

به گفته یونگ، روانشناس سوئیسی، پرسونا یا نقاب شخصیت همان نمود و وجهه رفتاری افراد در اجتماع است که در مکتب روانشناسی تحلیلی ارائه شده است. پرسونا یا نقاب به تعبیر کارل یونگ، نماینده پوشش‌های بسیاری است که فرد در موقعیت‌های گوناگون و در میان گروه‌های مختلف آدم‌ها بر چهره خود می‌گذارد. برای همین چشم باز می‌کنید و می‌بینید به خاطر چهار، پنج ویژگی مشترک با یک عده در یک «کنه‌گوری» یا دسته قرار گرفته‌اید و در مابقی خلیقات ممکن است ۱۸۰ درجه با آنها متفاوت باشید. پرسونا فارغ از این‌که در نیازسنجی و سلیقه‌سنجی برای تولید محصول به درد آدمیزاد می‌خورد تا پول بیشتری به جیب، بزند برای